

آقازده‌ها در ساحت اجتماعی ایران

هوشنگ پورزاقلی باعتمادن آقازاگلی یک واژه و اصطلاح کمالا اشتباهات این قسم افراد دروقع مقفلهبهنستندة آقازده آقای بی صفت عملکردی بسیار ولاست وغالبادست یافتنی در واقع هر فرد صاحب مقام و هر فرد صاحب قدرت اعم از مرد و یازن و از کنخدای یک روستا یا چند خلوار محدود گرفته تا بزرگان قدرت سیاسی در عرصه ملی و جهانی الزما آقا با مجموعه صفات تریب تر آن نیست اما آنچه مسلم سالزده مقفواوصاحبمنصبهستند

پس صرفنظر از اینکه زاده و فرزند آن افراد بشاری رفتارهای مطلوب و پسندیده باشد، رفتارهایش تحسین برانگیز باشد یا یک فرد دارای انواع سوانستاده از مقام والدین و قدرت برآمده از آن صرفنظر از اینکه بنا بر موافقت والدین صاحب قدرت خود از مقام و موقعیت و ظرفیت قدرت پدر ما لمرش سوانستاده سیاسی هم باشد، می تواند فرزند یک فرد عادی هم باشد، بدین معنی که آقازاگی و مقفوا را گداری ماهیت و کارکرد متفاوت هستند هر چند بر برخی موارد فردی می تواند همزمان واجد هر دو صفت باشد یعنی مقفوا را ندای که آقازده باشد یعنی م والدین او درستکار هستند و ذری از قدرت خود (را کندکدا تا بالاترین سطح ممکن) برای امیال و منافع شخصی خود و فرزندان بهره می گیرند و هم فرزندان چنین نمی کنند در عمل جان گروه دارنگان قدرت هم هستند و هم اینکه محتمل است فردی بدون اینکه مقفوا را باشد در واقع و عملا آقازده باشد.

در این باره، زمینه اجتماعی هم بسیار تعیین کننده است، یعنی قسمتی را جامعه انجام می دهد، بطور سوسپفقه تاریخی و البته در جوامع توسعه نیافته، بطور مثال همین که افراد یک جامعه را در صاحب قدرت و صاحب منصب روبرو می شوند، بطور ناخوaste، غیر ارادی و خودبوجه مبارزت به تغییر رفتار و قابل شدن به تفاوت و عکس العملی می کنند که نشان بندیزه و برتری و تمایز اوست. این یک بستار اجتماعی بندیزه برتری در مقفوا را است. این نوعی از عوامل چندمشری وجود دارد مگر در جوامع بسیار پیشرفته که این قسم

رفتارها یا کمتر دیده می شود یا اصلا دیده نمی شود اگر هم به هنگام روبرو شدن با مقامات فعلی و سابق و خوادلهای شان به آنها توجه شود، از نظر جالب توجه بود، رویروشنردن یا یک صاحبمنصب فعلی با قبلی و یا فرزندان او از نزدیک است، نه قابل شدن تمایز و کرنش معطوف به برتری طرف مقابل بعد دیگر آن، منفعتی است که فرد دارنده قدرت از این برتری اجتماعی و برتری بر دیگران می برد، بطور مثال وقتی فرزند یک پلیس در امور مربوط به آنچه که کارکرد پلیس مطرح است از امتیاز برخوردار باشد، فرزند یک نابوا خارج از نوبت نان بهتر و برشته تر دریافت کند، فرزند یک معلم در محیط آموزشی عزیزتر و مورد توجه تر از دیگران باشد، در واقع نوعی منفعت محقق می شود.

منفعت بعنوان یک تمایل همیشگی بشار، در یک گستره وسیع مطرح است و هر چه قدرت بیشتر، عمیق تر، نفایز تر، نفایز تر و گسترده تر و شمول آن و حتمیت تحقق آن در فرد صاحب قدرت بیشتر باشد، ثمرات آن بیشتر و تاثیرات اجتماعی آن هم به مراتب بیشتر است، مگر آن که فرد دارنده قدرت از یک باور و رفتار فوق بشری و شدیدا انسانی و اخلاهی و وقف به عمق و کنه سلفه خود برخوردار باشد تا از قدرت و اختیار خود استفاده نوسه، و غیر حق نکند کالبته کوبیلایست کویدا.

دیگر، آنچه اراده فرزند فرد صاحب قدرت است یعنی فرزند فرد دارنده قدرت حکمرانی (در سطوح مختلف) ااناوا اصلانتمایل دارد که تمایز داشته باشد. حالا این بستگی به نوع تربیت، شخصیت، تمایلات و میزان قدرت خوایی این فرد دارد. بعضی ها به همان میزان تمایز بدون هر گونه اقدام عملی بعدی راضی هستند و بعضی ها هم سری یانپذیر هستند و تا تحویل همه امتیازات و مواهب قابل انجام اامه می دهند. در این میان برخی از والدین صاحب قدرت این را برای فرزندانش و بستگان و اطرافیان خود روا می دارند و برخی در عین موافقت و همراهی، نظاره به مخالفت می کنند و بعضی ها هم قفوا مخالف هستند در نتیجه، هم جامعه آن تمایز را می پذیرد و هم اینکه فرزند با روش های مختلف از آن امتیاز مقفوا را گدای استفاده نمی کند مگر در استثنائات کمشمار. بعد دیگر این مسئله که در جوامع توسعه نیافته غالب و جاری است، این است که رانت و امتیاز در واقع نشان از عمق تبعیض و بی عدالتی ناشی از قدرت دارد و این نوعی از عوامل چندمشری وجود به قدرت است، اگر ذقت کنیم یک کنخدان در یک

به یاد دانشجویان کشته شده در زلزله بم

هنوز هم سردم است

ناصر صبحی پیش از هر چیز یاد باد که کنیم که علی رغم میل باطنی و بنا به دلایل حقوقی برای بیان هر چه صریح تر این روایت ناچار به خودمانسوری برخی اطلاعات هستم. ما این وجود، برخی موارد وجود دارند که حتا با خودمانسوری هم قابل بیان نیستند دوران دانشجویی و ایام میان تر بود بیشتر دانشجوی شهرستانی به شهر و دیار خودشان برگشته بودند. چند نفری نمانده بودیم همان جا تا درس بخویم، شب زلازم توی خولبه احساس کردم زمین تکان می خورد چشمم را باز کردم بابک را دیدیم که نیم خیز شده گفتم چه شد؟ گفت: زلزله آمده

صبح با سر و صدا از خواب بیدار شدیم اگر اشتباه نکم دور و بر ساعت ۷ یا ۸ بود. چند نفر از دوسان مان بودند می گفتند در بم زلزله شده می گفتند دانشگاه قصد راه ترم گرفتارند و در صورت تمایل دانشجویان ارباری کمک به هم بفرستند. تصور هممان این بود که در نهایت مقداری خرابی به آمد و شاید تعدادی کشته بدین تریان احتمال ۱۰۰ کشته را می داد. توی جلوی دانشگاه منتظر بودیم ۱۵ دانشجوی بودیم و چهار یا پنج نفر از کارمندان.

اول مسیر، راه باز بود اما هر چه جلوتر می رفتیم، شلوغی می شد. از شدت ترکید مسیر رفت معلوم بود ما بزرگترین و قوی ترین تیم در تیم خود ما بودیم. به دانشگاه بامت شد از استهای پلیس راحت تر خودروهایی شخصی عمیر کنیم. مسیر زبانی در راه تلف شد تا به هم رسیدیم. همان ابتدا حس حیرت و وحشت تمام وجودمان را فرا گرفته بود. فاجعهای که می دیدیم، ذهن مان نمی گنجید. خودساختمان های تخریب شده لال مان کرده بود و تنها در سکوت، به این وضع و تعدادی از مردم که دست پاچه یا حیران از سویی به سویی می رفتند، می نگریستیم هدف ما رسیدن به خولبه های دانشجویی بود. از مقصد همین قرار بود که برویم، به کمک دانشجویان بالاخره به اولین مقصد رسیدیم. یکی خولبه ای دانشجویی دختره لاهی پهنتر است بگویم تل آورا به جامانده خولبه ها

رفتیم. صراغ خولبه ها ویران شده سردم گم و حیران

پاسارگاد

به گزارش روابط عمومی شرکت سنگ آهن گهرزمین، علی کزب پورانی مدیرعامل این شرکت با اشاره به اینکه نیروی انسانی مهم ترین عامل پیروزی و موفقیت در هر زمینه ای است و هر فرد برای انجام فعالیت به دو بال دانش و انگیزه نیاز دارد، عنوان کرد: با تلاش و پشتکار تیم امر معدن شرکت و واحد فناوری تولید حداکثری و با استفاده از سیستم های نوین در

پاسارگاد

مجموعه عملیات معدن کاری که ضمن انجام تحقیق و بررسی های میدانی به دست آمد، توانستیم با عبور از ۲۰ میلیون تنی استخراج سنگ آهن به موفقیتی دست یابیم که در منطقه معدنی گل گهر و حتی کشور بی نظیر بوده است.

وی در ادامه افزود: با وجود مشکلات همچون تحریم ها و در دسترس نبودن برخی قطعات ماشین آلات معدنی توانستیم با هدف تحقق شعار

پایان ناپذیر و میل به لذت و حلاوت نهنفته در آن و سرمستی ناشی از تحقق اراده ی فردی با وجود همه ی مخالفت ها و عدم انفعالیست و با هیچ دستگامی قلب وزن گیری و کمیت سنجی نیست. بی شک در آن لحظه به نحوی دور از انتظار و غیر قابل تصور، دچار نشسته و لذت شده و بی گمان بارها تکرار خواهد شد

تلطیف و نادیده نگاری قویان و مقررات، تفسیر قویان و مقررات به نحو دلخواه و منطبق با منافع فردی و سلیقه ای و تغییر قویان به نفع خود، اطرافیان، بستگان و ذی فعاان از فراقه فرمای است که حتی می تواند با پوشش نمو کراسی اما در نهایت استبداد و خودرایی انجام شود.

این جاری شدن اراده ایست می تواند در برخی موارد نادر و کم شمار مثبت هم باشد یعنی برخی موقع قدرت سیاسی حتی از نوع مستبدانه و دیکتاتوری صرفا در خدمت فرد دارای قدرت نیست در خدمت خوادله خودباختگی و فرزندان نیست آنها و خوش از امتیازات کمالا قوی و مچاگر که همان حد هم بسیار لذت بخش و توانمند است، برخوردارند اما تمام توان و قدرتش در راستای خدمت به مردم و کشور تحت حاکمیتش است، به غیر از دیکتاتوری و استبداد خود را بی فساد، تبعیض و انحراف در این نوع حکمرانی وجود ندارد و همه آن ظرفیت را در خدمت به کشور قرار می دهد می شود و این به غیر از منافع و امتیازات ملای و رافعی است که قدرت در خود دارد اعمال اراده و در ک لذت و حظ تحقق اراده و حکم و خواسته

فرد صاحب قدرت بعد دیگر ماجراست همین الان رفتارهای ترابم را ببینید این همان بعد فرامادی است یعنی پول و ثروت و ایش از حد متعارف یک رئیس جمهور امریکاست منزل شخصی ایشان آن قدر لوکس و لاکچری است که همسرش آن را به کاخ سفید ترجیح می دهد، اما به واسطه تحمیل ناشی از پروتکل های امنیتی مجبور به القوت در یک سفید می شوند این فرد اگر بسیار ثروتمند نبوده به بقین بعد از کسب قدرت سیاسی و استیلای بر امور، هم برای خودش را امدرانی قوی تصور ایجاد می کرد، هم برای فرزندان، بستگان و اطرافیان هم اینگونه بعد حکمرانی و حکم فرمایی، فرمان فرمایی و در ک لذت جاری شدن اراده اش انجام می داد. قیفه مملوز اغرور و حرکات بدن و چهره نشان دهنده نهایت لذت او در هنگام خروج، ملامه گدجایی پاریس است. معاهدهای سفیر ارلیند نکند و دو تا دانشجوی شغول گریه می کردند و بی تکسار و به القوت در تاریخ موی و گوالردو با چهره های نلبلی می دیدم. چند بار نزد من آمده خواهش خودم کردم و هم چنان به او گوش می دادم و لو پنداشت که دینم را به او می فرستم و شیوه و شیوه امی گلام و از پی هوای او می روم پس پاره آهنگی را در آن رخ گامخام که در مگر عبرت گیرنده تش ز نزدیک کردم، عقیل همانند بیماری ناله



زنده بوده و تیغه لوهر او را کشته نمی توایم آن چه را که به عینه ندیدم، نباید کنم اما می توایم بر محبت آنچه دیدم شهادت بدهم. مثل آن وقت که از شدت سرما کتا آتش ایستاده بودم و شنیدیم دو مسئول دانشگاه ما می یاد یک گفتگو می کنند یکی شان می گوید «چون زلزله نزدیک نماز صبح اتفاق افتاده، هر که نماز بوده زنده مانده و هر که هم که مرده.» دیگر خسته شده بودیم. ناتوان بودیم و روغن مان از زده بود. این که نتوانستیم بودیم هیچ کمکی کنیم بیشتر از هر چیز داغون مان می کرد، سرما نمی کردم و بدنه کمالا کرخت شده بود. برای همین وقتی یکی از دانشجویان پیشنهاد داد بر گردیم، اکثرمان پذیرفتیم. برای برگشت نیاز به وسیله بود که نداشتیم. تمام مسئولان دانشگاهمان غیب شده بودند هیچ کسی نامه شانخشتم. آن مسئولی هم که در خولبه دختران بود، غیب شده بود با یک بسته کمال تن ماهی که خضرا در صندلی عقب ماشینش دیده بود تصمیم گرفتیم برویم سمت ساختمان سیاه که شنیده بودیم مرکز فرمانداری شده است. بیرون ساختمان خشتمیم دو تا از دوسان رفتند داخل تابینه بندی می توایند نشانی از مسئولان دانشگاهمان بیابند. یانه در همین حین یکی خورودی شخصی کنارمان نگاه داشت، ارئنده را که یکی از پرسنل دانشگاهمان بودند، نشانختم، او هم ما را شناخت، گناه را از میان او سوخته بود. در صندوق عقب را باز کش به دیدیم تا خرخره بر باز تو است. در آن وقت ما ۱۰ نفر بودیم، به پتو پراشت و به مان هدیه عدده کنسرو ۹ نان به ما داد بعد گفت دارد برمی گردد شروش و چون

سر داد و بیدم آن بود که از حرارتش بسوزد گفت: ای عقیل غیب نوحه گران در عزابت بگری بند، آیا از حرارت آهنی که انسانی به بازیچه گامخته است می نالی و مرا از آتشی که خلودند جبار به خشم خود فروخته بیمی نلبند؟ تو از این درد می نالی و من از حرارت آتش نالم؟»

چرا در جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

این در سطوح مختلف بعنوان یک قاعده منطقی صادق دارد از سطح کنخدایی و دهیاری تا بالاترین مناصب سیاسی اجرایی در کشور، هر وقت این روند به صورت دوطرفه در آمد یعنی جامعه واحد آن باج ندهند، تمایز قابل نشونده، به اصطلاح در صبه تفرق خود را در صاحب قدرت و گذار نکند و تمامی فرصت ها به عدالت، نصفه، تناسب و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد و صاحبان قدرت هم میز و صندلی قدرت و همه ی برآیند قدرت و ظرفیت های آن را منطبق به تکنیک افراد جامعه و امانت سپرده شده از سوی آنها برای ادارهی امورشان بدانند، نه فرصتی برای حکمرانی، فرمان فرمایی و استفاده فردی، خوادگی، فامیلی و گروهی. آن وقت، هم یک حکم عادی صالح و کارآمد قابل تحقق است، هم در آن جمعه، مقفوا را گدای و هر آنچه امتندان قابل انجام خواهد شد.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

این در سطوح مختلف بعنوان یک قاعده منطقی صادق دارد از سطح کنخدایی و دهیاری تا بالاترین مناصب سیاسی اجرایی در کشور، هر وقت این روند به صورت دوطرفه در آمد یعنی جامعه واحد آن باج ندهند، تمایز قابل نشونده، به اصطلاح در صبه تفرق خود را در صاحب قدرت و گذار نکند و تمامی فرصت ها به عدالت، نصفه، تناسب و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد و صاحبان قدرت هم میز و صندلی قدرت و همه ی برآیند قدرت و ظرفیت های آن را منطبق به تکنیک افراد جامعه و امانت سپرده شده از سوی آنها برای ادارهی امورشان بدانند، نه فرصتی برای حکمرانی، فرمان فرمایی و استفاده فردی، خوادگی، فامیلی و گروهی. آن وقت، هم یک حکم عادی صالح و کارآمد قابل تحقق است، هم در آن جمعه، مقفوا را گدای و هر آنچه امتندان قابل انجام خواهد شد.

نوشته های روز سه شنبه

حاصل جمع پروازهای بر باد رفته

- پروازهای بر باد رفته
- خوشبو شیده هنگام طلوع آتشی روشن می کند و خیمه های تاریکی را یک سر می سوزاند
- تنگ آب هر قدر هم که بزرگ باشد، مشکل بی دریایی ماهی را حل نمی کند
- اگر سرانجام فواره سقوط نبود؛ خیلی از ماهی های جوان از آن بالا می افتند
- ابشار، سقوط را در عمل یادآوری ماهی های رودخانه می کند
- مرگ و زندگی باهم متولد می شوند، مرگ می ماند و زندگی با هزار چرخ، صدها هزار فراز و فرود و پیچ و خم را در می نوردد و شهید معطر هزاران گل را به کندهای خود می آورد و باطمینان به پای شکوه مند انسان در آغوش مرگ لیخند بر لبه جان می سپارد
- اگر آدمها را دوست دارید و می خواهید شما را هم سخنی مطبوعی بداند؛ گوش کردن را تمرین کنید
- حاصل جمع تکدر خت هامی شود، همان جنگلی که مثل کوههای البرز در مقابل توفان ایستادگی می کند
- عزیزم اگر زبانت نیشتا را می فهمیدیم، دیگر اختلافات عدیدینه باهم پنهان شسیم
- سرهار زیمان آیدها هستند، امیدوار باشیم نوا آیدها در دست انسان های صاحب قریحه و نوعی بینند و مفید و کاری ببالند و عرصه شوند
- ارزش یک سخن صمیمانه و خالصانه از هزار تا سوغند موفکدیش تراست
- کوهنورد تخیل و پرتوقع به جای این که از کوه بالا برود، انتظار دار قلعه کوهی با این بیاید

نوشته های روز سه شنبه

حاصل جمع پروازهای بر باد رفته

- پروازهای بر باد رفته
- خوشبو شیده هنگام طلوع آتشی روشن می کند و خیمه های تاریکی را یک سر می سوزاند
- تنگ آب هر قدر هم که بزرگ باشد، مشکل بی دریایی ماهی را حل نمی کند
- اگر سرانجام فواره سقوط نبود؛ خیلی از ماهی های جوان از آن بالا می افتند
- ابشار، سقوط را در عمل یادآوری ماهی های رودخانه می کند
- مرگ و زندگی باهم متولد می شوند، مرگ می ماند و زندگی با هزار چرخ، صدها هزار فراز و فرود و پیچ و خم را در می نوردد و شهید معطر هزاران گل را به کندهای خود می آورد و باطمینان به پای شکوه مند انسان در آغوش مرگ لیخند بر لبه جان می سپارد
- اگر آدمها را دوست دارید و می خواهید شما را هم سخنی مطبوعی بداند؛ گوش کردن را تمرین کنید
- حاصل جمع تکدر خت هامی شود، همان جنگلی که مثل کوههای البرز در مقابل توفان ایستادگی می کند
- عزیزم اگر زبانت نیشتا را می فهمیدیم، دیگر اختلافات عدیدینه باهم پنهان شسیم
- سرهار زیمان آیدها هستند، امیدوار باشیم نوا آیدها در دست انسان های صاحب قریحه و نوعی بینند و مفید و کاری ببالند و عرصه شوند
- ارزش یک سخن صمیمانه و خالصانه از هزار تا سوغند موفکدیش تراست
- کوهنورد تخیل و پرتوقع به جای این که از کوه بالا برود، انتظار دار قلعه کوهی با این بیاید

نوشته های روز سه شنبه

حاصل جمع پروازهای بر باد رفته

- پروازهای بر باد رفته
- خوشبو شیده هنگام طلوع آتشی روشن می کند و خیمه های تاریکی را یک سر می سوزاند
- تنگ آب هر قدر هم که بزرگ باشد، مشکل بی دریایی ماهی را حل نمی کند
- اگر سرانجام فواره سقوط نبود؛ خیلی از ماهی های جوان از آن بالا می افتند
- ابشار، سقوط را در عمل یادآوری ماهی های رودخانه می کند
- مرگ و زندگی باهم متولد می شوند، مرگ می ماند و زندگی با هزار چرخ، صدها هزار فراز و فرود و پیچ و خم را در می نوردد و شهید معطر هزاران گل را به کندهای خود می آورد و باطمینان به پای شکوه مند انسان در آغوش مرگ لیخند بر لبه جان می سپارد
- اگر آدمها را دوست دارید و می خواهید شما را هم سخنی مطبوعی بداند؛ گوش کردن را تمرین کنید
- حاصل جمع تکدر خت هامی شود، همان جنگلی که مثل کوههای البرز در مقابل توفان ایستادگی می کند
- عزیزم اگر زبانت نیشتا را می فهمیدیم، دیگر اختلافات عدیدینه باهم پنهان شسیم
- سرهار زیمان آیدها هستند، امیدوار باشیم نوا آیدها در دست انسان های صاحب قریحه و نوعی بینند و مفید و کاری ببالند و عرصه شوند
- ارزش یک سخن صمیمانه و خالصانه از هزار تا سوغند موفکدیش تراست
- کوهنورد تخیل و پرتوقع به جای این که از کوه بالا برود، انتظار دار قلعه کوهی با این بیاید

نوشته های روز سه شنبه

حاصل جمع پروازهای بر باد رفته

- پروازهای بر باد رفته
- خوشبو شیده هنگام طلوع آتشی روشن می کند و خیمه های تاریکی را یک سر می سوزاند
- تنگ آب هر قدر هم که بزرگ باشد، مشکل بی دریایی ماهی را حل نمی کند
- اگر سرانجام فواره سقوط نبود؛ خیلی از ماهی های جوان از آن بالا می افتند
- ابشار، سقوط را در عمل یادآوری ماهی های رودخانه می کند
- مرگ و زندگی باهم متولد می شوند، مرگ می ماند و زندگی با هزار چرخ، صدها هزار فراز و فرود و پیچ و خم را در می نوردد و شهید معطر هزاران گل را به کندهای خود می آورد و باطمینان به پای شکوه مند انسان در آغوش مرگ لیخند بر لبه جان می سپارد
- اگر آدمها را دوست دارید و می خواهید شما را هم سخنی مطبوعی بداند؛ گوش کردن را تمرین کنید
- حاصل جمع تکدر خت هامی شود، همان جنگلی که مثل کوههای البرز در مقابل توفان ایستادگی می کند
- عزیزم اگر زبانت نیشتا را می فهمیدیم، دیگر اختلافات عدیدینه باهم پنهان شسیم
- سرهار زیمان آیدها هستند، امیدوار باشیم نوا آیدها در دست انسان های صاحب قریحه و نوعی بینند و مفید و کاری ببالند و عرصه شوند
- ارزش یک سخن صمیمانه و خالصانه از هزار تا سوغند موفکدیش تراست
- کوهنورد تخیل و پرتوقع به جای این که از کوه بالا برود، انتظار دار قلعه کوهی با این بیاید

نوشته های روز سه شنبه

حاصل جمع پروازهای بر باد رفته

- پروازهای بر باد رفته
- خوشبو شیده هنگام طلوع آتشی روشن می کند و خیمه های تاریکی را یک سر می سوزاند
- تنگ آب هر قدر هم که بزرگ باشد، مشکل بی دریایی ماهی را حل نمی کند
- اگر سرانجام فواره سقوط نبود؛ خیلی از ماهی های جوان از آن بالا می افتند
- ابشار، سقوط را در عمل یادآوری ماهی های رودخانه می کند
- مرگ و زندگی باهم متولد می شوند، مرگ می ماند و زندگی با هزار چرخ، صدها هزار فراز و فرود و پیچ و خم را در می نوردد و شهید معطر هزاران گل را به کندهای خود می آورد و باطمینان به پای شکوه مند انسان در آغوش مرگ لیخند بر لبه جان می سپارد
- اگر آدمها را دوست دارید و می خواهید شما را هم سخنی مطبوعی بداند؛ گوش کردن را تمرین کنید
- حاصل جمع تکدر خت هامی شود، همان جنگلی که مثل کوههای البرز در مقابل توفان ایستادگی می کند
- عزیزم اگر زبانت نیشتا را می فهمیدیم، دیگر اختلافات عدیدینه باهم پنهان شسیم
- سرهار زیمان آیدها هستند، امیدوار باشیم نوا آیدها در دست انسان های صاحب قریحه و نوعی بینند و مفید و کاری ببالند و عرصه شوند
- ارزش یک سخن صمیمانه و خالصانه از هزار تا سوغند موفکدیش تراست
- کوهنورد تخیل و پرتوقع به جای این که از کوه بالا برود، انتظار دار قلعه کوهی با این بیاید

نوشته های روز سه شنبه

حاصل جمع پروازهای بر باد رفته

- پروازهای بر باد رفته
- خوشبو شیده هنگام طلوع آتشی روشن می کند و خیمه های تاریکی را یک سر می سوزاند
- تنگ آب هر قدر هم که بزرگ باشد، مشکل بی دریایی ماهی را حل نمی کند
- اگر سرانجام فواره سقوط نبود؛ خیلی از ماهی های جوان از آن بالا می افتند
- ابشار، سقوط را در عمل یادآوری ماهی های رودخانه می کند
- مرگ و زندگی باهم متولد می شوند، مرگ می ماند و زندگی با هزار چرخ، صدها هزار فراز و فرود و پیچ و خم را در می نوردد و شهید معطر هزاران گل را به کندهای خود می آورد و باطمینان به پای شکوه مند انسان در آغوش مرگ لیخند بر لبه جان می سپارد
- اگر آدمها را دوست دارید و می خواهید شما را هم سخنی مطبوعی بداند؛ گوش کردن را تمرین کنید
- حاصل جمع تکدر خت هامی شود، همان جنگلی که مثل کوههای البرز در مقابل توفان ایستادگی می کند
- عزیزم اگر زبانت نیشتا را می فهمیدیم، دیگر اختلافات عدیدینه باهم پنهان شسیم
- سرهار زیمان آیدها هستند، امیدوار باشیم نوا آیدها در دست انسان های صاحب قریحه و نوعی بینند و مفید و کاری ببالند و عرصه شوند
- ارزش یک سخن صمیمانه و خالصانه از هزار تا سوغند موفکدیش تراست
- کوهنورد تخیل و پرتوقع به جای این که از کوه بالا برود، انتظار دار قلعه کوهی با این بیاید



رضا مسلمی زاده

ما حافظه تاریخی نداریم و بعضی هلمان بیشتر از دیگران به این آرایمر جمعی میتا هستیم. تختا لبت این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در هر سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

این در سطوح مختلف بعنوان یک قاعده منطقی صادق دارد از سطح کنخدایی و دهیاری تا بالاترین مناصب سیاسی اجرایی در کشور، هر وقت این روند به صورت دوطرفه در آمد یعنی جامعه واحد آن باج ندهند، تمایز قابل نشونده، به اصطلاح در صبه تفرق خود را در صاحب قدرت و گذار نکند و تمامی فرصت ها به عدالت، نصفه، تناسب و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد و صاحبان قدرت هم میز و صندلی قدرت و همه ی برآیند قدرت و ظرفیت های آن را منطبق به تکنیک افراد جامعه و امانت سپرده شده از سوی آنها برای ادارهی امورشان بدانند، نه فرصتی برای حکمرانی، فرمان فرمایی و استفاده فردی، خوادگی، فامیلی و گروهی. آن وقت، هم یک حکم عادی صالح و کارآمد قابل تحقق است، هم در آن جمعه، مقفوا را گدای و هر آنچه امتندان قابل انجام خواهد شد.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

این در سطوح مختلف بعنوان یک قاعده منطقی صادق دارد از سطح کنخدایی و دهیاری تا بالاترین مناصب سیاسی اجرایی در کشور، هر وقت این روند به صورت دوطرفه در آمد یعنی جامعه واحد آن باج ندهند، تمایز قابل نشونده، به اصطلاح در صبه تفرق خود را در صاحب قدرت و گذار نکند و تمامی فرصت ها به عدالت، نصفه، تناسب و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد و صاحبان قدرت هم میز و صندلی قدرت و همه ی برآیند قدرت و ظرفیت های آن را منطبق به تکنیک افراد جامعه و امانت سپرده شده از سوی آنها برای ادارهی امورشان بدانند، نه فرصتی برای حکمرانی، فرمان فرمایی و استفاده فردی، خوادگی، فامیلی و گروهی. آن وقت، هم یک حکم عادی صالح و کارآمد قابل تحقق است، هم در آن جمعه، مقفوا را گدای و هر آنچه امتندان قابل انجام خواهد شد.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

این در سطوح مختلف بعنوان یک قاعده منطقی صادق دارد از سطح کنخدایی و دهیاری تا بالاترین مناصب سیاسی اجرایی در کشور، هر وقت این روند به صورت دوطرفه در آمد یعنی جامعه واحد آن باج ندهند، تمایز قابل نشونده، به اصطلاح در صبه تفرق خود را در صاحب قدرت و گذار نکند و تمامی فرصت ها به عدالت، نصفه، تناسب و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد و صاحبان قدرت هم میز و صندلی قدرت و همه ی برآیند قدرت و ظرفیت های آن را منطبق به تکنیک افراد جامعه و امانت سپرده شده از سوی آنها برای ادارهی امورشان بدانند، نه فرصتی برای حکمرانی، فرمان فرمایی و استفاده فردی، خوادگی، فامیلی و گروهی. آن وقت، هم یک حکم عادی صالح و کارآمد قابل تحقق است، هم در آن جمعه، مقفوا را گدای و هر آنچه امتندان قابل انجام خواهد شد.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

این در سطوح مختلف بعنوان یک قاعده منطقی صادق دارد از سطح کنخدایی و دهیاری تا بالاترین مناصب سیاسی اجرایی در کشور، هر وقت این روند به صورت دوطرفه در آمد یعنی جامعه واحد آن باج ندهند، تمایز قابل نشونده، به اصطلاح در صبه تفرق خود را در صاحب قدرت و گذار نکند و تمامی فرصت ها به عدالت، نصفه، تناسب و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد و صاحبان قدرت هم میز و صندلی قدرت و همه ی برآیند قدرت و ظرفیت های آن را منطبق به تکنیک افراد جامعه و امانت سپرده شده از سوی آنها برای ادارهی امورشان بدانند، نه فرصتی برای حکمرانی، فرمان فرمایی و استفاده فردی، خوادگی، فامیلی و گروهی. آن وقت، هم یک حکم عادی صالح و کارآمد قابل تحقق است، هم در آن جمعه، مقفوا را گدای و هر آنچه امتندان قابل انجام خواهد شد.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا شرکت خصوصی دولتی، عمومی مشغول شوند و یا مثل هر شهروند دیگر با تکیه بر توان ذاتی و خداداد خود و بدون بهره گیری از هر گونه امتیاز همراه با تبعیض، کار داشته باشند، درآمدا می کنند، ثروت افرینی و اشتغال رایی کنند، با هم جامعه آنها دیدم نمی تواید بر تبرعش پارتنی بازی سفارشی بودن روند تمایز غیر منصفه و غیر عادلانه دارد. این است و نمایندگان زده بودند ما این انتخاب را توایید نکرديم و تمامی مدارک را به تهران ارسال کردیم در آنجا تصمیم گیری شود.

هر چه جمعه ما این قدر نسبت به کلمه آقازده حساسیت وجود دارد؟ در واقع جمعه اربانی باایلع و پدیدآوری کلمه آقازده و «توقف بدون عبور از آن» این پیام واضح را می دهد، که در آن جمعه، فرزندان افراد صاحبمنصب و قدرت (در سطحی) از امتیاز، رانت، اطلاعات محرمانه درآمدا، انواع فرصت های منحصر بفرد و حمایت های مؤثر برآمده از قدرت والدین خود بهره مند هستند، بنابراین نهایت تبعیض و بصورت تمام عیار به کاشان است، به نحوی که حتی اگر فرزندان مسئولان مثل یک فرد عادی، در یک سازمان یا